

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Children

کودکان

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

۱۰/۱۰/۱۲

## کودکان کار؛ جهان امروز و "جنبش لغو کار کودک"؟!...

بیانیه به مناسبت ۸ اکتبر روز جهانی کودک

۸ اکتبر به نام روز جهانی کودک، مناسبتی تقریباً سراسری در جهان است و در این روز از یک سو فعالان این عرصه به دنبال اظهار وجود و طرح مسائل، مشکلات و نیز مطالبات و خواسته های حقوق کودک خود هستند. از سوی دیگر دولتمردان و برنامه ریزان عرصه سیاست، اقتصاد و دیگر بخش های جامعه حساس به سوی مطالبات و خواسته های جبهه مقابل است، تا از این رهگذر واکنش های شرایط امروز را جمع بندی و له یا علیه آن تدبیر و چاره، ساز کنند.

به روشنی می توان گفت که ظرف چند سال اخیر نه تنها بی حقوقی کودکان کاهش نیافته بلکه شدت و گستره آن به سرعت افزایش یافته است. این تغییر در شرایط کودکان کار شدید تر و عمیق تر بوده و قبل از هر چیز تعداد شان نزدیک به دو برابر (یعنی از تقریباً ۲۴۰ میلیون نفر به بیش از ۴۰۰ میلیون افزایش یافته است) و نیز عریانی و جنبه های رسمیت آن علنی و آشکار تر شده است.

این موضوع مشخصاً ریشه در بحران های اخیر سرمایه جهانی دارد. بحران مالی و تولیدی سرمایه جهانی در تمامی اجزاء و جوارح ساختار اجتماع ریشه دوانده و تظاهر آن را در اعتراضات و اعتصابات اخیر امریکا و اروپا می توان به سادگی مشاهده نمود. این تحركات در پی حملات مستقیم سرمایه به زحمتکش ترین و ضعیف ترین اقشار جامعه صورت میگیرد و در واقع پاسخی است به بیکاری سازی ها (گاه ملیونی)، کم کردن دستمزد ها، افزایش ساعات کار، افزایش طول دوران خدمت و...

در ادامه مشاهده می شود که اشکال دیگر این بحران در کشورهای نظیر ایران [۱] که همواره با بحران های اقتصادی دست به گریبان بوده اند نه تنها در حیطه اقتصادی و معیشتی باقی نماند، بلکه در عرصه سیاست و حقوق اجتماعی نیز به تعرض و سرکوب حقوق انسانی کشیده شده است.

**طرح "هدفمند کردن یارانه ها"** که قبل از اجراء، اینچنین سرسام آور بر روی افزایش قیمت خدمات و معیشت مردم تاثیر گذاشته و بیانگر ضعف دولت در ارائه سرویس و خدمات به جامعه است. **طرح "توسعه مشاغل خانگی"** که قبل از هر چیز نشانه استیصال سرمایه در سازماندهی تولید و شانه خالی کردن از تحمل هزینه های تولید و ارائه خدمات به ازاء درآمد است و این راه انتقال بحران و مشکلات به خانواده ها که در انتها چیزی جز

بدبختی و فقر روزافزون برای زحمتکشان نداشته و کمترین حاصل آن، گسیل کودکان به عرصه کار و باز تولید کودک کار است. "لایحه حمایت از خانواده"، طرح "شناسنامه دار کردن مهاجران" (طرحی که در آن ادعا شده برای ارائه کارت شناسائی و شناسنامه مهاجرت به مهاجران افغان است، ولی معلوم نیست که در پی آن چه به روز ۱/۹۰۰/۰۰۰ هزار آواره جنگ و ترور خواهد آمد؟ شاید اخراج پس از شناسائی؟! ) از نمودارهای تعرض آشکار سیاسی- اجتماعی به حقوق و جایگاه انسان است. از این رهگذر، آنچه که به وضوح در حال اتفاق افتادن است نادیده انگاشتن و زیر پا نهادن حقوق اولی و انسانی کودکان است. این معضل جهان امروز و البته ایران است که با شدت و حدت بیشتری در حال تسری است.

به این ترتیب به نظر می رسد که با توجه به روند رو به رشد تعداد کودکان کار و وسعت یافتن اشکال و گوناگونی بی حقوقی های تحمیل شده به این کودکان، تعیین جایگاه جنبش لغو کار کودک در میان سایر جنبش های مدافع حقوق کودک اهمیت ویژه ای پیدا میکند. چرا؟!؟

نخست اینکه "جنبش لغو کار کودک" پیش شرط باز گرداندن جایگاه و حقوق انسانی کودکان را لغو کار و بهره کشی از کودکان، و کار کودکان را به مثابه حلقه بنیادی تحمیل بی حقوقی و نقطه آغاز تعرض به تمامی جایگاه انسانی کودک می شمارد. جایی که به دلیل ارزانی نیروی کار و بی دفاعی صاحب آن، برای سرمایه غیر قابل چشم پوشی و اغماض به نظر می آید. از سوی دیگر، مطالبه لغو کار کودکان، آستانه مطالبات دیگر است، چنانچه دیگر خواسته ها الزاما" چنین جایگاهی را ندارند.

اصل دیگر اهمیت "جنبش لغو کار کودک" دیرینه آن است که از دید تاریخی مطالبه لغو کار کودکان تقریباً همزمان با جنبش رادیکال کارگری است و نخستین بار در بیانیه رسمی کارگران رادیکال و پیشرو لغو کار کودک طرح و در ادامه در دستور کار مطالبات و خواسته های کارگران و زنان در سرتاسر جهان قرار گرفت.

موضوع دیگری که مبرم بودن جایگاه "جنبش لغو کار کودک" را مسجل میدارد؛ ارتباطی است که با شرایط و سرنوشت دیگر جنبش های اجتماعی داشته و این خود ضرورت هماهنگی و هم پوشانی کار و فعالیت در این عرصه را موجه می سازد. هیچ تغییری در وضعیت کارگران، زنان و دیگر اقشار جامعه رخ نخواهد داد که تاثیر مستقیم و غیر مستقیمی بر شرایط زندگی کودکان نداشته باشد. به عبارت ساده تر اینکه کمترین دست آورد و دریافت حق در جامعه، منجر به بهبود شرایط زیستی کودکان می گردد.

نگاهی گذرا به تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر اثبات می کند که دستاوردهای حقوقی و اجتماعی، ماحصل تلاش و یا تاثیر مستقیم و یا غیر مستقیم جنبش کارگری بوده است. به عنوان مثال ممنوعیت و لغو کار کودکان بخش هائی از جهان، تا این حد و درجه نیز؛ نتیجه مبارزه این بخش از جامعه و نیز فعالان جنبش لغو کار کودک با اتصال مستقیم به این جنبش بوده است.

**جمع بندی:** پرسش پیش روی "جنبش لغو کار کودک" این است؛ موانع و مشکلات اهداف و برنامه کدام است و چگونه می توان از آنها گذر کرد و به نتیجه دست یافت؟

با این بررسی کلی، اینگونه می توان به این موضوع پاسخ داد که؛ بحران های اقتصادی ذاتی مناسبات موجود است و همواره با خود مشکلاتی را زایش می کند که مستقیماً زندگی و معیشت توده های محروم را زیر ضرب برده و این خود بستر عریان و علنی تولید و باز تولید اشکال و صورت هائی از کار و بهره کشی از کودکان است.

مطالبات حقوق کودکي جدا از مطالبات كل جامعه نيست. مشكلات و مسائل اقشار و طبقات جامعه و نيز خواسته ها و مطالبات شان، بى ارتباط با "جنبش لغو كار كودك" نيست.

ارتباط و اتصال بلافصل جنبش لغو كار كودك با سرنوشت ديگر جنبش هاى اجتماعى بر ضرورت هماهنگى و همپوشانى كار و فعاليت در اين عرصه تاكيد ميكند چرا كه هيچ تغييرى در وضعيت كارگران، زنان و ديگر اقشار جامعه نيست كه تاثير مستقيم و غير مستقیمی بر شرايط كودكان نداشته باشد. ضرورتى كه به ارتباط مستقيم جنبش لغو كار كودك و جنبش كارگرى تاكيد مى كند؛ راه حل و مكانيزم دستيابى به مطالباتى است كه جنبش كارگرى به دست مى دهد كه همانا لغو كار مزدورى است و در رأس آن لغو كار و هرگونه بهره كشى از كودكان است. از اينرو ارتباط، همكارى و همراهى با ديگر جنبش هاى اجتماعى كه منافع و حقوق كودكان در آن تصريح شده است، از نخستين برنامه هاى پيش روى ماست. عدم اتصال از نخستين علل انحراف و سبب وارد آمدن آسيب ها و مشكلاتى بر بدنه جنبش لغو كار كودك خواهد شد، كه بخشى از آن را شاهدديم.

راه گريز از اين شرايط هرچه كه باشد، کوتاه يا بلند مدت، "جنبش لغو كار كودك" وظيفه اى جز شناسائى و ارائه تحليل از شرايط موجود و علل و عوامل توليد كننده كار كودكان و به دست دادن راه كار اجتماعى توقف و مقابله با اين عوامل نداشته و ترسيم راه هاى دستيابى به حقوق و منافع عالى كودكان از امور و وظيفات مسلم آن است. واكنش سريع، موضع گيرى و اتخاذ عمل نسبت به هر سياست و برنامه اى كه منافع آحاد جامعه را تحت تاثير خويش قرار مى دهد؛ از وظيفات ماست. چراكه نتيجه چنين سياست ها و برنامه هاى، افزايش تعداد كودكان كار و به تبع آن آسيب ها و مشكلات مبتلا به كودكان است.

نكته مهم تر اينكه؛ تجربه نشان داده است، خرده كارى و عمل زدگى درون جنبش، حاصلى جز روزمرگى و دور شدن از هدف اصلى نخواهد داشت. از سوى ديگر سياست سرمايه كه همواره در حال ايجاد موانع و مشكلات بر سر راه جنبش هاى اجتماعى بوده، بنيادهائى خيرييه را كه ماهيت ارتجاعى و عقب مانده دارند و نه تنها راه حل نبوده بلكه صرفاً با اتكاء بر عواطف انسانى و با تحريك جيب مردم عامل ابقاء كار كودك مى باشد را به عنوان آلترناتيو و راه حل به فعالان و جامعه تحميل کرده است. كار انفرادى و فرقه نى نه تنها ما را از دست يافتن به هدف باز ميدارد، بلكه زمينه پذيرش خط و برنامه هاى انحرافى خواهد شد.

وظيفه ما روشن گرى و نيرو گرفتن از جامعه براى ارائه راه كار و تحميل آن به مسؤولين و متوليان امر در جهت تغيير شرايط به نفع كودكان است. يكي از آسيب هاى كار ما تشنت و پراكنده گى در اتخاذ عمل و موضوعات كار است. از اينرو ارائه طرح و برنامه عملى براى اتحاد عمل و پيوستگى بيشتتر جنبش در سطح منطقه و جهان از بزرگترين وظيفات ماست. تنها از بستر اين پيوستگى است كه قادر به منشاء اثر شدن در زندگى و شرايط اكنون كودكان كار و كودكان سرتاسر جهان خواهيم بود.

در پايان ضمن تبريك به مناسبت ۸ اكتوبر، روز جهانى كودك؛ به تمامى كودكان و مدافعان و فعالان حقوق و منافع كودكان، به ويژه فعالان "جنبش لغو كار كودك"، اميد است با همكارى و اتحاد بيشتتر در دست يابى به هدف غائى "جنبش لغو كار كودك"، كه همانا لغو كار و هرگونه بهره كشى از كودكان و سعادت انسان ها پيروز گرديم.

**جمعيت دفاع از كودكان كار و خيابان**

۸ اكتوبر ۲۰۱۰ (۱۶ مهر ۱۳۸۹)

## یادداشت:

[۱]- با اذعان بر اینکه هر کشوری مشکل خاص خود را دارد و نباید به دشواری های زندگی اجتماعی در سایر کشور ها بی اعتناء بود، هرگاه در برخورد به مسایل و مشاکل کشور های متعدد از یک منظر نسبی به قضایا نظر انداخته شود، متوجه می شویم که چگونگی حیات "کودکان" در افغانستان شامل چنان عرصه های وحشتناکی می گردد، که حتا برای بسیاری از کشور های جهان، تصور آن نیز به دماغ کسی خطور نمی نماید تا چه رسد به آنکه در مقام مقایسه با این و یا آن کشور قرار گیرد.

به منظور خودداری از اطناب کلام برخی از دشواری ها در حیات کودکان در افغانستان به علاوه آنچه در سایر کشور ها وجود دارد، می توانیم چنین ردیف نمائیم:

۱- گوشت دم توپ و قربانی بی دفاع نیروهای اشغالگر و اسلام سیاسی- اعم از مجاهد و طالب- گردیدن. چنانچه در سال پار بیشتر از ۲۰۰۰ کودک افغان یا در اثر بمباردمان نیروهای اشغالگر و یا هم به نسبت دهشت افگنی های اسلام سیاسی، جان خود را از دست داده اند.

۲- استفاده استخباراتی از کودکان به وسیله اشغالگران و مدعیان اسلام سیاسی

۳- با سوء استفاده از فقر روز افزون خانواده ها، آنها را به مثابه سرباز مزدور در خدمت قرار دادن

۴- ضمن دخیل ساختن آنها در تجارت کثیف مواد مخدر، بیشتر از ۱۰۰ هزار کودک را معتاد ساختن

۵- به مثابه برده جنسی مورد استفاده قرار گرفتن.

۶- محرومیت از درس و رفتن به مکتب که رقم بیش از ۴ میلیون کودک را شامل می گردد.

۷- گسترش سرسام آور مرض "ایدز" در بین کودکان افغان

۸- .....

اداره پورتال AA-AA